

فهرست مطالب :

صفحه :	عنوان :
۰	مقدمه
۱	معرفی مهد کودک
۲	کروکی محل انجام پروژه
۳	فصل اول - گزارش روزانه
۱۴	فصل دوم - گزارش هفتگی
۱۷	فصل سوم - گزارش ماهانه
۱۹	برداشت کلی
۲۰	نقاشی آزاد
۲۵	پیشنهادات و انتقادات
۲۶	نتیجه گیری

مقدمه :

در سال ۱۲۹۸ مسیونر های مذهبی و اقلیت های دینی به احداث کودکانستان ها و مراکز آموزش پیش دبستانی در تهران مبادرت نمودند. در همان اثنا زنده یاد جبار باغچه بان در سال ۱۳۰۳ به احداث باغچه اطفال در شهرستان تبریز مبادرت نموده و چند سال بعد در سال ۱۳۰۷ کودکانستان دیگری در شهرستان شیراز دایر نمود. گفتنی است که در آن اثنا تنها از کودکان خانواده های مرفه و کارمندان عالی رتبه ادارات در این مراکز ثبت نام به عمل می آمد. استقبال این خانواده ها از عملکرد مراکز آموزش پیش دبستانی (کودکستان ها) سبب گردید که طی مدت زمان کوتاهی در تهران و چندین شهر بزرگ دیگر کشور، کودکانستان هایی توسط بخش خصوصی دایر گردد. از جمله مهمترین برنامه های این مراکز می توان به بازی های مرسوم، آموزش مقدماتی خواندن و نوشتن، نقاشی و بازی با عروسک و اشکال هندسی اشاره نمود. در سال ۱۳۰۳ شورای عالی فرهنگ، به تصویب انحصاری آیین نامه احداث مراکز آموزش پیش دبستانی در شهرستان تهران و در سال ۱۳۰۴ به تصویب این آیین نامه برای سایر شهرهای کشور مبادرت نمود. نخستین امتیاز تاسیس کودکانستان توسط وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۳۱۰ صادر گردید. از این روی سال ۱۳۱۰ آغاز فصل جدیدی در تاریخ آموزش پیش دبستانی ایران محسوب می گردد. نخستین آیین نامه ویژه کودکانستانها و مراکز آموزش پیش دبستانی در سال ۱۳۱۲ به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید. در ماده اول این آیین نامه، سن کودکان جهت پذیرش در کودکانستانها ۴ تا ۷ سال قید شده بود.

مشخصات کلی از آمادگی سما و کروکی آن

۳ کلاس آمادگی (گروه سنی ۵-۶ سال) - ۱ کلاس گروه سنی (۴-۵ سال) - ۱ کلاس (گروه سنی ۴ الی ۳-

۲ سال)

در طبقه دوم و سوم

مساحت هر کلاس: ۷۰ متر

مساحت دفتر مدیر: ۲۰ متر

مساحت اتاق تلویزیون: ۷۰ متر

مساحت راهرو: ۲۵ متر

مساحت حیاط: ۳۰ متر

مساحت کل: ۲۱۵ متر زیربنای ساختمان کل

تحصیلات مربیان و مدیر:

مدیریت مهد کودک (خانم نسرين لطف آبادی) : کارشناس پرستاری

مربی ها:

(۵-۶ سال) معادل فوق دیپلم مربی گری

(۵-۶ سال) معادل فوق دیپلم مربی گری

(۵-۶ سال) دیپلم

(۴-۵ سال) کارشناس ادبیات

(۴ الی ۳-۲ سال) فوق دیپلم گرافیک

۲ نفر خدماتی: زیر دیپلم

کروکی داخل ساختمان مهد کودک سما

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

فصل اول

گزارش روزانه

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

مراحل کارهای انجام شده از محل کارآموزی:

در تاریخ ۸۶/۷/۳ ساعت ۹:۱۵ وارد مهد شدم. ابتدا با مربی ها و بچه ها داخل اتاق تلویزیون مشغول نرمش شدیم و بعد از خوردن صبحانه به کلاس برگشتیم. در کلاس داخل دفترهای بچه ها شکل گلابی کشیدیم تا بچه ها رنگ آمیزی کنند و بعد برای تشویق بچه ها داخل دفترچه ها عکس برگردان چسباندم و به تمامی بچه ها ظرف خمیربازی دادیم و در کارهای عقب مانده مربی به وی کمک کردم.

در تاریخ ۸۶/۷/۵ ساعت ۷:۳۴ وارد مهد کودک شدم. بعد از خوردن صبحانه در طبقه همکف به کلاس گروه ۴-۵ ساله ها رفتم و در آنجا مشغول انجام کارهای عقب مانده مربی شدیم و بعد از آن هم کمی با بچه ها بازی کردیم (صندلی بازی) که برای تمرکز حواس و سرعت عمل بچه ها مفید است و بعد از آن هم باز طبق ساعت معمولی ۱۱:۴۰ به طبقه همکف برگشتیم تا بچه ها را برای رفتن آماده کنیم و من هم ساعت ۱۲:۳۰ از مهد خارج شدم.

در تاریخ ۸۶/۷/۷ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد شدم. بعد از مدت کمی که در طبقه همکف به منظور جمع شدن تمامی بچه ها و شروع نرمش، گذرانیدیم به کلاس ۴-۵ ساله ها رفتم و طبق معمول کارهای عقب مانده ی مربی و بعد صبحانه ی بچه ها را تقسیم کردم و برایشان کتاب داستان همراه با تقلید صدا را خواندم تا بچه ها تفاوت شخصیت های داستان را متوجه شوند.

در تاریخ ۱۵/۷/۸۶ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم در همان ابتدا تعداد زیادی کاغذهای مربوط به روش برش بچه ها را آماده کردم و همینطور به بچه ها نقاشی آزاد دادم و در رنگ آمیزی به آنها کمک کردم و نقاشی آن ها را به دیوار نصب کردم و طبق معمول ساعت ۱۱:۴۰ بچه ها را به طبقه همکف برای تماشای تلویزیون آوردیم و من هم ساعت ۱۲:۳۰ از محل خارج شدم.

در تاریخ ۱۹/۷/۸۶ ساعت ۷:۳۰ وارد آمادگی شدم، به کلاس واقع در طبقه همکف رفتم (گروه سنی ۴ الی ۲-۳ سال) ابتدا همراه بچه ها به اتاق مجاور جهت تماشای تلویزیون رفتیم بعد از آن داخل کلاس به نرمش پرداختیم و همینطور موقع میوه ها، دادن میوه ها به بچه های سنین پایین، بعد از آن هم رنگ آمیزی داشتند که تک تک آنها رسیدم و بهشان کمک کردم. و در آخر حضور غیاب از بچه ها به عمل آوردم و در نهایت با بچه ها بازی کردم (قایم باشک) که مورد استقبال بچه ها قرار گرفت و ساعت ۱۲:۳۰ از محل خارج شدم.

در تاریخ ۲۲/۷/۸۶ ساعت ۷:۳۰ وارد آمادگی شدم، به کلاس بچه های کوچک (گروه سنی ۴ الی ۲-۳) رفتم. در آنجا با بچه ها بازی کردم (صندلی بازی و عموزنجیرباف) که برای تمرکز حواس و سرعت عمل مناسب است و همینطور در دفتر خانم لطف آبادی مدیریت آمادگی سما رفتم و یکسری کارهای جزئی را انجام داد و ساعت ۱۲:۳۰ از محل خارج شدم.

در تاریخ ۸۶/۷/۲۴ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد که شدم به کلاس آمادگی (۲) - گروه سنی ۵-۶ سال رفتم با هم شعرهای مهد سما را خواندیم و صبحانه هارو برایشون تقسیم کردم و بعد از کارهای اولیه در دفتر نقاشی بچه ها شکل برگ کشیدم تا رنگ آمیزی کنند، در آخر وقت کلاسی با همدیگر بازی کردیم (لگو بازی) و در انتها ساعت ۱۲:۳۰ از محل خارج شدم.

در تاریخ ۸۶/۷/۲۶ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم برای بچه ها کتاب داستان خواندم و با همدیگر بازی کردیم و به بچه ها نقاشی با ماژیک بهشون دادم و در نقاشی بهشون کمک کردم و در آخر وقت کلاسی، ساعت ۱۱:۴۰ به طبقه همکف جهت تماشای تلویزیون آمدم، البته من تا ساعت ۱۳:۳۰ در آمادگی حضور داشتم و بعد از رفتن بچه ها به کمک مربی که در کلاس به بچه های سنین پایین کمک کردم تا غذای بچه ها را آماده کنیم.

در تاریخ ۸۶/۷/۲۸ ساعت ۷:۱۵ وارد مهد شدم تا چند دقیقه ای داخل طبقه همکف ماندم تا تمامی بچه ها جمع شوند بعد از آن کلاس آمادگی در طبقه آخر رفتم، روز سختی بود چون من در این روز ۴ کلاس مراجعه کردم و هر کلاس حدود ۱ الی ۱/۵ ساعت ماندم و در هر یک از کلاسها فعالیتهایی انجام دادم مانند قصه خواندن در ۲ کلاس آمادگی، بازی کردن در همان ۲ کلاس، رنگ آمیزی با مداد رنگی و ماژیک در ۳ کلاس آمادگی (گروه سنی ۵-۶ سال) و دادن میوه ها به بچه ها (گروه سنی ۴ الی ۳-۲ سال)

در تاریخ ۸۶/۷/۲۹ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و در کلاس آمادگی (گروه سنی ۵-۶ سال) و در نقاشی بچه ها کمک کردم و همینطور در رنگ آمیزی آنها و کارهای مربوط به مربی مانند: تقسیم کتاب ها، نامه به اولیاء، درست کردن کارت های آفرین را درست کردم و از محل ساعت ۱۲:۳۰ خارج شدم.

در تاریخ ۸۶-۸-۶ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و در کلاس طبقه بالا (۳) بودم در آنجا فعالیتهایی مانند: قصه خواندن (جادوگر شهر آژ، ای کیو سان)، بازی کردن (صندلی بازی) و بعد از آن باز کمک به مربی در انجام کارهای عقب مانده- در آخر ساعت ۱۲:۳۰ از مهد خارج شدم.

در تاریخ ۸۶/۸/۸ در ساعت ۷:۳۰ وارد مهد که شدم به کلاس (گروه سنی ۵-۶ سال) رفتم و فعالیتهایی نظیر: قصه خواندن، توضیح در مورد کتاب کار (رنگ آمیزی و آموزشگاه و...) انجام دادم و میوه هایشان را بهشان دادم.

در تاریخ ۸۶/۸/۱۰ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و به کلاس واقع در طبقه (۲) بودم، کلاس آمادگی (گروه سنی ۵-۶ سال) اول از همه به بچه ها صبحانه دادم تا بخورن و بعد از آن با همدیگر بازی کردیم و بعد از آن هم داخل حیاط مهد کودک سرسره بازی کردیم و بعد در اتاق تلویزیون به تماشای کارتن (موش و گربه) پرداختیم و همینطور در نبود مربی مسئولیت تمام بچه ها را می پذیرفتم و در تمام کارها تا جایی که توانستم کمک کردم و من تا ساعت ۱۳:۳۰ از مهد خارج شدم.

در تاریخ ۱۳/۸/۸۶ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و در کلاس بچه های گروه سنی (۵ الی ۴) ساله در آنجا فعالیتهایی نظیر: خواندن کتاب داستان (پینوکیو) و دادن میوه ها و تقسیم صبحانه به بچه ها و به علت نبودن مربی در کلاس روبه رو (۶-۵ ساله ها) رفتم و در رنگ آمیزی کتاب کارها به آنها کمک کردم و آنها را به طبقه پایین (اتاق تلویزیون) همراهی کردم. و ساعت ۱۲:۳۰ از مهد کودک خارج شدم.

در تاریخ ۱۷/۸/۸۶ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم ولی به علت سرما خوردگی شدید در کلاس گروه سنی (۴ الی ۳-۲ ساله ها) بودم و چون تمام تنم می لرزید کنار بخاری دراز کشیدم و کمی استراحت کردم بعد از مدت کمی با بچه ها بازی کردم و در اتاق تلویزیون به تماشای تلویزیون پرداختیم.

در تاریخ ۱۹/۸/۸۶ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم به کلاس آمادگی در گروه سنی (۶-۵) رفتم و در آن کلاس برش کاغذهایی جهت درست کردن گلدان و آموزش درست کردن گلدان به بچه ها و همچنین کمک در کشیدن گل (۲ عدد) در گلدان، بعد تمام گلدان ها را داخل دفتر بچه ها چسباندم تا آنها گل بکشند- بعد از آن هم کمک به مربی در کارهای عقب مانده و برای مدت کوتاهی در کلاس روبه رو ماندم تا بچه ها از کلاس بیرون نروند.

در تاریخ ۲۰/۸/۸۶ در ساعت ۷:۳۰ داخل مهد بودم و به کلاس آمادگی (گروه سنی ۶-۵ سال) رفتم و کارهای عقب افتاده مربی کلاس و معلم قرآن را انجام دادم و در منظم نگه داشتن بچه ها کوشا بودم (در کلاس قرآن) و در آخر هم بچه ها را به طبقه همکف همراهی کردم.

در تاریخ ۸/۲۴/۸۶ در ساعت ۷:۳۰ داخل مهد کودک بودم. در کلاس طبقه آخر (آمادگی) حاضر شدم که مربی در آن حضور نداشت و من هم ابتدا صبحانه ها را بین بچه ها تقسیم کردم و بعد از آن تدریس کتاب کار آموزشی داشتم و همچنین کمک در رنگ آمیزی، پوست کندن میوه های بچه ها، جمع آوری کتاب ها و مرتب کردن آنها و در آخر بچه ها را به طبقه همکف همراهی کردم.

در تاریخ ۸/۲۶/۸۶ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و در کلاس گروه سنی ۴-۵ ساله ها حاضر شدم و فعالیتهایی نظیر شعرخواندن، رنگ آمیزی، بازی کردن با بچه ها (لگو).

در تاریخ ۸/۲۷/۸۶ ساعت ۷:۳۰ وارد آمادگی شدم و در کلاس طبقه آخر (گروه سنی ۵-۶ سال) حاضر شدم و فعالیتهایی نظیر رنگ آمیزی- سوال کردن از بچه ها از آموخته های مهد مخصوص همان کلاس، برقراری نظم و انضباط در کلاس هنگام درس قرآن و همچنین در نبود مربی و خواندن کتاب داستان برای بچه ها.

در تاریخ ۹/۱/۸۶ ساعت ۷:۳۰ وارد آمادگی شدم و در کلاس طبقه ۲ (گروه سنی ۴-۵ ساله ها) در کلاس فقط به کارهای عقب مانده مربی رسیدیم چون نزدیک به بیلان کار بود و بچه ها هم مشغول بازی شدند و همینطور دادن میوه ها به بچه ها، بعد مرتب کردن وضعیت لباس بچه ها برای آمادگی در جشن و آنها را به طبقه همکف همراهی کردم.

در تاریخ ۸۶/۹/۳ ساعت ۷:۳۰ داخل مهد کودک بودم و به کلاس آمادگی واقع در طبقه آخر (گروه سنی ۵-۶ سال) رفتم و ابتدا ما بچه ها شعر خواندیم و بعد باز هم طبق معمول همیشگی پرسیدن آموخته ها، و همچنین موقع نقاشی کمک در رنگ آمیزی، دادن برش به بچه ها و کمک به آنها و باز هم پوست کندن میوه ها برای تک تک بچه ها و در آخر هم آنها را به طبقه همکف همراهی کردم.

در تاریخ ۸۶-۹-۴ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد شدم و باز هم در کلاس طبقه آخر (آمادگی) رفتم، در آنجا ابتدا از چند نفر سئوالاتی در مورد پاییز پرسیدم، و بعد از آن به انجام کارهای عقب مانده ی مربی رسیدگی کردم، در حین نبود مربی نظم را در کلاس برقرار کردم، کمک در رنگ آمیزی، و بریدن کاردستی (سیب، گلابی، انار) و مرتب کردن آنها به اسم و در آخر همراهی بچه ها به اتاق تلویزیون

در تاریخ ۸۶/۹/۸ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و در کلاس طبقه بالا (آمادگی) حاضر شدم و در ابتدا کارهایی مثل خواندن کتاب داستان- کمک در رنگ آمیزی و همینطور برش و درست کردن کاردستی (پاکت) که نیمه تمام ماند چون وقت کلاس تمام شده بود اصلاً مربی استقبال نکرد و پوست کندن میوه های بچه ها.

در تاریخ ۸۶/۹/۱۰ در ساعت ۷:۳۰ به مهد کودک رفتم و در کلاس طبقه آخر (آمادگی) - گروه سنی ۵-۶ سال) حاضر شدم. در آنجا برش زدن عروسک های کوچکی (خرس) که از کاغذ کادو درآوردیم و بچه ها دادیم تا قشنگ آن را برش بزنند، خواندن شعر و کشیدن نقاشی بر روی تابلو قارچ و پروانه و کمک در

کشیدن آن و در مدت کمی که مربی در کلاس حضور نداشت برقراری نظم و انضباط در کلاس و در آخر هم همراهی بچه ها به اتاق تلویزیون.

در تاریخ ۸۶/۹/۱۱ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و به کلاس آمادگی ها در طبقه آخر رفتم. مربی در کلاس حضور نداشت و من هم در ابتدا با بچه ها شعر خواندم، با هم بازی کردیم و بعد معلم قرآن آمدند بعد از رفتن آنها دوباره با همدیگر بازی کردیم (ادامه بازی) تا مربی آمد بعد کاردستی ها مربوط به برش را به بچه ها دادم و بعد از آن هم برای بچه ها کتاب داستان خواندم و در آخر هم بچه ها را به اتاق تلویزیون همراهی کردم.

در تاریخ ۸۶/۹/۱۲ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و به کلاس (گروه سنی ۴-۵ ساله) رفتم و در آنجا با بچه ها تمامی شعرهایی که مربی از قبل یاد داده بود تکرار کردیم و با هم چند سوره قرآن خواندیم (کوثر، توحید) کمک در کارهای روزمره کلاس و همچنین کمک در رنگ آمیزی در کتاب کار و... و باز طبق معمول در آخر کلاس همراهی بچه ها در اتاق تلویزیون.

در تاریخ ۸۶/۹/۱۳ ساعت ۷:۳۰ داخل مهد کودک حضور داشتم و در کلاس گروه سنی (۴-۵ ساله) بودم در آنجا طبق عادت همیشگی تمرین و تکرار شعرها - کار کردن اعداد (شمردن ۱ تا ۱۰ و یا بیشتر ۲۰)، کمک در رنگ آمیزی به بچه ها و انجام دادن کارهای روزمره ی کلاسی.

در تاریخ ۱۵/۹/۸۶ ساعت ۷:۳۰ در مهد حاضر شدم و به کلاس آمادگی (گروه سنی ۵-۶ سال) رفتم و در آنجا فعالیت هایی انجام دادم نظیر: کمک در رنگ آمیزی با مداد رنگی - کشیدن نقاشی بر روی کاغذها برای رنگ با گواش و نوشتن نام و مرتب کردن آنها، تدوین (توضیح) کتاب کار بچه ها برای رنگ آمیزی و در آخر وقت کلاسی بچه ها را به طبقه همکف همراهی کردم.

در تاریخ ۱۸-۹-۸۶ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و در کلاس آمادگی (گروه سنی ۵-۶ سال) حاضر شدن البته در ۲ کلاس. در آنجا فعالیتهایی نظیر: کشیدن اشکالی بر روی کاغذها برای رنگ با گواش - نوشتن نام آنها و کارهای عقب مانده مربی و مرتب کردن کلاس و بچه ها برای فیلمبرداری و همینطور پوست کندن میوه هایشان و برقراری نظم و انضباط در کلاس بدون حضور مربی و در نهایت هم همراهی بچه ها به طبقه همکف

در تاریخ ۲۲/۹/۸۶ در ساعت ۷:۳۰ در آمادگی حاضر شدن و بعد از خوردن صبحانه در طبقه همکف و رفتن به کلاس در طبقه بالا (آمادگی) و به خواست مربی نوشتن اسم ها و درست کردن کارهای اشتباه در کتاب کار و انجام دادن یکسری کارهای مربی از قبیل مهر و امضا کردن در تمامی دفترها و کتاب کار آموزشگاه سما و مفاهیم علوم و...

در تاریخ ۲۴/۹/۸۶ در ساعت ۷:۳۰ در محل حاضر شدم و به کلاس (گروه سنی ۴ الی ۳-۲ سال) رفتم واقع در طبقه همکف در آنجا اول از همه کمک به مربی در انجام کارهای مربوط به کلاس، بازی کردن با بچه

ها (قایم باشک) - ترمش دادن بچه ها در خود کلاس، پوست کندن میوه های بچه ها و پرسش از آموخته های سابق.

در تاریخ ۸۶/۹/۲۵ در ساعت ۷:۳۰ در محل حاضر شدم و در کلاس آمادگی (گروه سنی ۵-۶ سال) رفتم و در آنجا فعالیت هایی نظیر: برقراری نظم و انضباط در کلاس و همینطور در طبقه همکف (اتاق تلویزیون)، کمک به مربی در انجام کارهای مربوط به کلاس، پوست کندن میوه های بچه ها و کمک به مربی قرآن در انجام کارها از قبیل (مرتب کردن برگه های نقاشی در پوشه ها و نوشتن نام آنها بر روی پوشه)

در تاریخ ۸۶/۹/۲۷ در ساعت ۷:۳۰ در محل حاضر شدم و به کلاس طبقه (۲) (آمادگی) رفتم و در آنجا فعالیتهایی مثل: برقراری نظم و انضباط هنگام درس قرآن و همینطور همکاری لازم جهت تدریس، انجام کارهای عقب افتاده مربی قرآن نظیر درست کردن پرونده های نقاشی درس قرآن و آماده کردن برای بیلان کار.

در تاریخ ۸۶/۹/۲۹ در ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و به کلاس طبقه آخر (آمادگی) رفتم و در آنجا فعالیتهایی مثل شعر و خواندن داستان در اتاق تلویزیون و همینطور در کلاس، و در نبود مربی برقرار کردن نظم و انضباط در کلاس، بازی کردن با بچه ها در اتاق همکف و پوست کندن میوه ها به بچه ها و...

در تاریخ ۱/۱۰/۸۶ ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و در کلاس طبقه بالا (گروه سنی ۵-۶ سال) بودم و در آنجا فعالیتهایی مثل برقراری نظم و انضباط در کلاس، دادن نامه هایی به بچه ها، پوست کندن میوه های بچه ها، و در آخر در اتاق تلویزیون کمک کردن به مابقی مربی ها جهت آماده کردن سالن برای جشن عید قربان که فردا برگزار می شد.

در تاریخ ۲/۱۰/۸۶ در ساعت ۷:۳۰ در محل حاضر شدم و به کلاس (گروه سنی ۵-۶ ساله ها) رفتم و در نبود مربی، برقراری نظم و انضباط در کلاس، تدریس درباره فصل زمستان (آشنایی با ماه های فصل زمستان، چگونگی هوا، چگونه لباس پوشیدن و...) و رنگ آمیزی دادن به بچه ها.

در تاریخ ۴/۱۰/۸۶ در ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و در کلاس (گروه سنی ۴-۵ ساله ها) رفتم و در آنجا فعالیت هایی از قبیل: تمرین و تکرار شعرهای آموخته شده، تمرین سوره قرآن (توحید، کوثر، دعای فرج)- پوست کندن میوه های بچه ها، خواندن کتاب داستان (هامی همیشه بیدار) و در نبود مربی برقراری نظم و انضباط در کلاس

در تاریخ ۶/۱۰/۸۶ در ساعت ۷:۳۰ وارد مهد کودک شدم و در طبقه بالا (گروه سنی ۵-۶ ساله ها) بودم چون در آن روز مربی حضور نداشت و من به کمک خواهر شوهرش در کلاس بودیم ولی خوشبختانه به تنهایی از عهده کلاس برآمدم و فعالیت هایی نظیر تقسیم صبحانه به بچه ها- رنگ آمیزی مربوط به عید

غدیر خم - بازی گردن - پوست کندن میوه ها و تقسیم جوایز مربوط به جشن - برقراری نظم و انضباط در

کلاس

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

فصل ۲

گزارش هفتگی

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

هفته ی اول

آشنایی با آموزشگاه، پرسنل مهد کودک، کشیدن نقاشی در دفتر بچه ها، بازی کردن با بچه ها (خمیربازی و لگوبازی) انجام کارهای عقب مانده

هفته ی دوم

بازی کردن با بچه ها- نرمش کردن همراه بچه ها- تماشای تلویزیون، خواندن کتاب داستان، آماده کردن برش برای بچه ها- انجام کار رنگ آمیزی

هفته ی سوم

کشیدن نقاشی جهت رنگ آمیزی در دفتر بچه ها، بازی کردن (صندلی بازی، قایم باشک، لگو) کمک در کارهای مدیر و مهد کودک

هفته ی چهارم

هم بازی شدن با بچه ها- خواندن کتاب داستان- کمک و رنگ آمیزی- کمک در کارهای مربی کلاس

هفته ی پنجم

کمک به مربی- بازی کردن- خواندن کتاب داستان- تدریس کتاب کار- تماشای تلویزیون

هفته ی ششم

خواندن کتاب داستان (پینوکیو)- کمک در رنگ آمیزی- باز کردن با بچه ها

هفته ی هفتم

درست کردن کاغذها جهت برش زدن و آموزش درست کردن گلدان- تدریس کتاب کار آموزشی و

کمک در رنگ آمیزی، کمک به مربی قرآن و همینطور کمک به مربی کلاس در انجام کارهای عقب

مانده

هفته ی هشتم

تمرین و تکرار شعرهای آموخته شده - کمک در رنگ آمیزی، بازی کردن با بچه ها (لگو)، پرسش از آموخته های مهد، خواندن کتاب داستان - کمک به مربی کلاس

هفته ی نهم

تکرار شعرهای کلاسی - پرسش از آموخته ها - کمک در رنگ آمیزی و برش - کمک به مربی کلاس - آماده کردن شکل های (سیب، انار و گلابی) برای برش - خواندن کتاب داستان.

هفته ی دهم

کمک در برش (خرس)، خواندن شعر، آموزش نقاشی (قارچ و پروانه)، بازی کردن با بچه ها، برای تقویت شنوایی و سرعت عمل بچه ها - خواندن کتاب داستان - قرآن خواندن - کار کردن اعداد با بچه ها - کمک در رنگ آمیزی

هفته ی یازدهم

مرتب کردن برگه ها و کشیدن اشکالی برای رنگ با گواش - کمک به مربی کلاس جهت آماده کردن بچه ها برای فیلمبرداری - بررسی تمام دفترها و کتاب کارهای آموزشگاه و... برای اصلاح

هفته ی دوازدهم

کمک به مربی در انجام کارهای عقب افتاده، بازی کردن با بچه ها، نرمش کردن، پرسش از آموخته ها، کمک به مربی قرآن برای انجام پرونده های (نقاشی مربوط به سوره ها) برای بیلان کار، خواندن کتاب

داستان

هفته ی سیزدهم

کمک به مربی در انجام کارهای روزمره - پوست کندن میوه های بچه ها - تدریس درباره فصل زمستان -

رنگ آمیزی - تمرین و تکرار شعرها - تمرین سوره قرآن - خواندن کتاب داستان (هامی همیشه بیدار)، اداره کردن یک کلاس بدون مربی مثل (میوه دادن، رنگ آمیزی در مورد عید غدیر خم، بازی کردن و...)

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

فصل سوم

گزارش ماهانه

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

شروع گزارش ماهانه

ماه اول (۴ هفته) ← آشنایی با پرسنل مهد کودک، نقاشی تقلیدی، بازی کردن، دادن برش، خواندن کتاب

داستان و شعر، رنگ آمیزی، انجام حضور و غیاب، نرمش کردن

ماه دوم (۴ هفته ی دوم) ← بازی کردن با بچه ها، تدریس کتاب کار آموزشگاه سما- رنگ آمیزی،

خواندن کتاب داستان و شعرها، درست کردن کاردستی (گلدان)، نقاشی آزاد، پرسش از آموخته های مهد،

کمک به مربی

ماه سوم (۴ هفته ی سوم) ← خواندن شعر و داستان- پرسش از آموخته ها، کمک به انجام برش و درست

کردن کاردستی- نقاشی تقلیدی و آزاد- پرسش اعداد از بچه ها- بازی کردن با بچه ها- کمک به مربی

کلاس و مربی قرآن

ماه چهارم (۱ هفته ی آخر) ← تدریس درباره فصل زمستان (آشنایی با ماه های فصل زمستان (دی- بهمن-

اسفند)، چگونگی هوا و چگونه لباس پوشیدن)، اداره کلاس بدون مربی، رنگ آمیزی، خواندن کتاب

داستان

پایان

(بوداشت کلی)

آموخته های مهد کودک سما

مثبت: تمامی آموخته هایی که در این مدت به بچه ها آموزش داده شد را به صورت دفترچه ای تهیه

کردند و در روز بیان کار به والدین نشان دادند و نکات آموزش داده شده بسیار جالب بود و بچه ها نیاز

داشتند که این اطلاعات را بدانند.

منفی: بعضی از مریبان اصلاً جنبه ی پیشنهاد در کار را نداشتند چون توانایی این که به بچه ها آموزش دهند

را نداشتند و منکر این که بچه ها توانایی در این زمینه را دارند می شدند.

پیشنهادات و انتقادات از آمادگی

از لحاظ وسایل کمک آموزشی و تفریحی بسیار محدود بود و محیط حیاط بسیار کوچک بود و بچه ها به

راحتی نمی توانستند انرژی خود را در بازی تخلیه کنند و چون محیط بازی کوچک بود جایی برای تهیه

وسایل تفریحی همچون سرسره، و تاب و آلا کلنگ نداشتند. و دیگر اینکه بهتر است از مربیان مجرب (کادر

تخصصی کودک) مشغول باشند.

نتیجه گیری

خیلی واضح و روشن باید عرض کنم که من در این مدت که در مهد کودک سما بودم هیچ نکته ی آموزنده ی که اضافه بر معلومات خودم باشد و اینکه به درد آینده ام بخورد و خلاصه بر این با ایده ی جدید برخورد نکردم و اگر به مربی پیشنهاد کاردی در مورد فصل زمستان را می دادم کاملاً نظرم را رد می کرد و این زحمت را به گردن نمی گرفت و من هم خود در آنجا کمک دست کارهای عقب مانده بودم و در بعضی اوقات هم که تصمیم به تدریس کتاب کار داشتند آن هم من با جان و دل انجام می دادم.